

بسم الله الرحمن الرحيم



ایمان مادر

شیخ مفید، عالم بزرگ شیعی و فقیه گران قدر عالم اسلام، شبی در خواب دید که حضرت فاطمه زهرا(س) با دو فرزندش حسن و حسین(ع) به نزد او آمده است و به او می گوید: «ای شیخ، آن دو را فقه بیاموز». فردا، در جلسه درس، هنوز در فکر خواب دیشب بود. زنی همراه دو فرزندش نزد او آمد و گفت: «ای شیخ آن دو را فقه بیاموز.» لبخندی از تحسین بر لب شیخ نشست.

آن زن، فاطمه مادر سید رضی و سید مرتضی بود؛ زنی بسیار پاکدامن و اهل عبادت. دو فرزندش سید رضی و سید مرتضی که بعدها از علمای بزرگ شیعه شدند، همواره از ایمان و خلوص مادرشان یاد می کردند تا جایی که سیدرضی، گردآورنده نهج البلاغه، می گوید: «اگر همه مادران به خوبی، پاکی و وظیفه شناسی او بودند، فرزندان‌شان به پدر نیازی نداشتند». این گفتار نشان دهنده نقش حساس مادر در پرورش مذهبی فرزندان است.

زبان به سپاس که می گشایم؟ دریا دریا کوتاهی و کاستی وجودم را پر می کند. وجود من وابسته به توست و بودنم، سلامت و رشدم تحفه های گران قدری است که از سوی تو دریافت کرده ام. کدام کلام است که بتواند شکر تو را گوید؟ وقتی خداوند عالم شکر تو را در کنار سپاس خودش جای می دهد و می فرماید: «**مرا و پدر و مادرتان را شکر گویند**»، پس همیشه زبانم از سپاس تو قاصر خواهد بود و دلم در شکر تو خواهد تپید.

آینه خشم و رضای الهی

مادر، ای مظهر رحمت خدا، ای سراسر مهربانی، ای از محبت لبریز، تو را می ستایم و عزیز می دارم. تو را قدر می نهم و بزرگ می شمرم که تو راهی به سوی بهشتی. رضای خدا را از رضای تو می جویم و از خشم تو که خشم خداست دوری می کنم. مادر، ای خورشید مهربان زندگی ام، دستان مهربان و خسته ات را می بوسم و تو را شکر می گویم و در حسرت سپاس یک لحظه از سختی هایی که برایم تحمل کردی، همیشه می مانم.

مادر فرهیخته

عبدالرحمان فروخ پس از 27 سال از مأموریتی به خانه برمی گشت. همسرش بعد از رفتن او پسری به نام ربیعه به دنیا آورده بود. مادر ربیعه در نبود همسرش، پولی که عبدالرحمان به عنوان پس انداز نزد او سپرده بود و بر نگهداری آن سفارش کرده بود، صرف تحصیل ربیعه نمود، چنان که ربیعه در ابتدای جوانی دانشمندی توانا شد. هنگام بازگشت، عبدالرحمن فرزندش را دید که در مسجد به تدریس نشسته است و جماعت بسیاری در گرد اویند. بسیار خرسند شد و وقتی فهمید که آن پول پس انداز برای چنین گوهری صرف شده است، بر ذکاوت چنین مادری آفرین گفت و بسیار از او تشکر کرد.

قاعده احسان

رابطه فرزند با پدر و مادر را نمی توان بر اساس عدل و در دایره تنگ حق و تکلیف ارزیابی کرد؛ زیرا اساس عدل بر این است که دو نفر روابط و حقوق و تکالیف متقابل داشته باشند؛ اما تأثیری که پدر و بخصوص مادر در به وجود آمدن فرزند خود دارند به هیچ عنوان جبران پذیر نیست. پس خداوند مهربان، در قرآن، پیوسته به احسان پدر و مادر سفارش می کند. رفتار عادلانه و ادای حق و به جای آوردن سپاسشان ممکن نیست؛ بلکه ملاک ارزش در اینجا، فقط احسان و نیکوکاری به آنان است.

شکری برتر

پروردگار مهربان، در قرآن انسان ها را به نیکوکاری به پدر و مادر سفارش می کند. در برخی آیات قرآن، احسان به والدین و سپاس از آنها بلافاصله پس از سفارش به عبادت و شکر الهی آمده است؛ مانند آیه 36 سوره نساء که

می فرماید: «خدا را بپرستید و به او شرک نوزید و به پدر و مادر احسان کنید». و هم چنین آیه 23 سوره اسرا که می فرماید: «پروردگار دستور داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید». و نیز آیه 14 سوره لقمان که می فرماید: «انسان را سفارش نمودم که مرا و پدر و مادرتان را سپاس گویند». این همه نشان از مقام بلند پدر و مادر و ضرورت احسان و سپاسگزاری از آنها را دارد.

زحمتی طاقت فرسا

ای باغبان بی همتای من، ای ابر سراسر رحمت، ای زلال مهر و عاطفه، خارهایی که گاه پروراندنم به دست های مهربان تو فرو رفت و رنجی که گاه مراقبت از من بر تنت نشست، هنوز در چشم های خسته امّا پر مهرت رخ می نماید. من چگونه تو را سپاس گویم؟ آیه های خدا دم به دم دلم را به سپاس تو می خواند و از رنجوری طاقت فرسای تو خبرم می دهد؛ آنجا که می فرماید: «انسان را به پدر و مادرش سفارش نمودیم؛ به ویژه که مادرش با ضعف و زحمت طاقت فرسا او را پروراند و دو سال او را شیر داد، پس مرا و پدر و مادرتان را سپاس گویند». و درجای دیگر می فرماید: «انسان را درباره پدر و مادرش به احسان سفارش نمودیم؛ چون مادرش او را با خود حمل کرد و با سختی و مشقت بر زمین نهاد». و اینک ای مادر، زبانه همیشه به سپاس تو خواهد چرخید و در چشمم همواره محبت تو موج خواهد زد.

دوران کهولت مادر

مادرم، مهربان من، از آن روزها که کودکانه و بی خیال بر دامن پر مهرت می نشستم و بی آنکه قدر بدانم جرعه جرعه از مهر تو لبریز می شدم، بسیار گذشته است. از آن روزها که در بهار نوجوانی بی آنکه قدر و مقام بلندی را بشناسم، راه خود می گرفتم و کلام خود می گفتم، بسیار گذشته است. اینک که پائیز در زندگی تو رخ می نمایاند و پیری از پنجره عمرت سرک می کشد، دلم به سپاس آن همه بردباری و مهربانی ات، دمامم بر دستت بوسه می کارد و آیه های کتاب خدا لحظه به لحظه در قلبم ندا می افکند که «پروردگار تو فرمان داد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید و چون به پیری رسیدند با ایشان به درستی و دور از ادب سخن مگویند؛ بلکه سخنانتان با آنها آمیخته با احترام باشد و از روی لطف و رأفت در برابر آن دو تواضع کنید و دعاگویشان باشید.»

دعا برای مادر

مادر، دوست دارم چون کبوتری بر پنجره قلبت بنشینم و بال فروتنی بر زمین بیفکنم. دوست دارم که زلال کلامم را از مروارید ادب و مهر پر سازم و بر دل خسته ات ببارم. دوست دارم که دست به دعا بردارم و خدا را به آیات خودش بخوانم که «پروردگار من، پدر و مادرم را مورد لطف خود قرار ده، چنان که آنان در کودکی مرا پروراندند.»

آن روز که کودکی بیش نبودم، بارها نام خدا را بر زبانم نهاده و به تشویقم لبخند زدی. بارها پس از غذا دادم، دست هایم را به آسمان بلند کردی و خواستی که شکر خدا را بگویم. بارها به مهر به سوی خود خواندی ام و در کنار سجاده با صفایت نمازم آموختی. هر جا که لذت نگاه مهربانت را می چشیدم، صدای سلام و درودت بر پیامبر را می شنیدم و این صدا، چون آیه ای شیرین، در عمق جانم جای گرفت. شب هنگام طنین گرمابخش و آرام صدای تو از محمد(ص)، رسول خدا، برایم قصه می گفت و دخترش فاطمه از حسن و حسین و پدرشان علی که سلام و درود خدا بر آنان باد. و اینک به هر قدمی برایت درود می فرستم و به هر نفس دعایت می گویم که تو مرا به رحمت خدا راه نمودی. درود خدا بر تو باد.

عبادت فرزند، ثواب مادر

مادر مهربان من، هر بار که سپاس خدا را می گویم، هاله های نور را می بینم که بر وجود تو می بارد. هر قدم که به سوی خدا گام بر می دارم، تو را می بینم که به بهشت نزدیک تر می شوی. هر بار که سر به سجده می گذارم، می بینم که فرشتگان برایت تسبیح می کنند. این سزاوار توست؛ زیرا که شکر خدا را تو بر زبان من نهاده ای. گام هایم را تو به سوی او گرداندی و سرم را با سجده گاه آشنا کردی. ای پیامبر رحمت و محبت، ای مظهر مهر خدا.

زینب(س) مادر دو شهید

در روز عاشورا، هر لحظه بر تعداد شهدا افزوده می شد و هر بار زینب(س) به تسلیت برادر از خیمه بیرون می آمد و با برادر همراهی می کرد و غم از سینه مهربان برادر می زدود. فرزندان زینب(س)، محمد و عون اجازه خواستند و پا به میدان نهادند و سپس از مجاهدتی شجاعانه به شهادت رسیدند. اندکی بعد، حسین(ع) با دریائی از مهر و با چشمی گریان، این دو شهید در خون نشسته را بر دوش گرفته به سوی خیمه می آورد. چشم ها به خیمه دوخته شده بود تا کی مادر این دو لاله در خون شناور به سوگ آنان از خیمه بیرون آید. اما زینب(س) به کوچکی این دو قربانی در آستان الهی و مقام ولایت می اندیشد. از شرم از روبرو شدن با برادر پرهیز می کند؛ مبادا با حضور او در سینه برادر ذره ای اندوه از شرم رخ بنمایاند. سلام خدا بر آن بانوی بزرگ و مادر نمونه.

مادران بهشتی

مادر، امروز را به یمن وجود تو جشن می گیرم و تمام دلم را که دریچه ای به سوی دل مهربان تو دارد، گل باران می کنم. مبارک باد بر تو جایگاه بلند مادری. مبارک باد بر تو بهشت رضایت دوست. مبارک باد بر تو گام نهادن در وادی محبت الهی و تو را سپاس. سپاس برای آن همه سختی که کشیدی تا ریسمان رستگاری را در دستم نهاده ای. سپاس برای ملالت هایی که دیدی تا به کشتی نجات اسلام هدایتم کردی. سپاس برای آن رنج ها که کشیدی تا با

محبت اهل بیت آشنایم کردی. تو را سپاس که از ظلمت و تاریکی دنیا پسندی دورم داشتی و به نور هدایت آشنایم کردی. تو را سپاس مادر و بهشت خدا گوارای وجودت باد.

دامان حی

ای چشم های خیره به دنیا، از نجابت من در شگفت نشوید که بوستان دلم از زلال حای مادرانی سیراب است که برای حجابشان از جان گذشتند. ای فرو رفتگان در گرداب ظلمت، بر عفاف من حیرت زده نشوید که چشم های من از نگاه مهربان و عفیف مادران پاک پر شده است. نجابت و حیا، عفاف و وقار ریشه دارترین درخت حیات مادران ما بوده است و اینک ما نیز از آن ریشه روییده ایم. زنده باد یاد مادرانی که کودکانشان را در دامن حیا پروراندند.

کلام نور

در ظلمت گمراهی بودیم و زیر بار ستم که نور هدایت امام بر وجودمان تابید و راه را به ما نشان داد. اینک کلام او چراغی همیشه روشن پیش پای ماست تا در بیراهه قدم نگذاریم. تربیت صحیح یکی از چیزهایی است که امام عزیز همواره بر آن تأکید داشت. ایشان خطاب به مادران می فرمود: «آن چیزی که بچه از بچگی از مادر می شنود، در قلبش نقش می بندد و تا آخر همراه او است. مادرها باید به این توجه کنند که بچه ها را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند، دامنشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد و این مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها ساخته است و از کسی دیگر ساخته نیست». امید که مادران ما از آن چراغ فروزان نور بگیرند و به راهی که نموده قدم نهند.

تشنه مهربانی مادر

کاش مادر، همیشه در کنارم بودی. اینک که کودکی بیش نیستم، تشنه لحظه ای آرام گرفتن در دامن توام. از آن روز که نورسیده بودم، هر روز خود را در آغوش مربی مهد کودک دیده ام. تا امروز از دست او غذا خورده ام و با لالائی او به خواب رفته ام. او هرگز بوی مهربانی تو را نمی دهد مادر. کاش کاری بیرون از خانه نبود و من که در عطش مهر تو می سوزم، تو را آرام در کنار خود می یافتم. مادر خسته از کارهای سخت، با من تندی مکن که گاهی ندارم جز عطش مهربانی تو. چشم های خسته ات را بگشا و برایم قصه بگو که نیازمند مهربانی توام.

مادر و بچه داری

در طول رژیم گذشته، چنان که در کشورهای غربی رایج شده بود، کوشش می شد که کودکان را از مادرانشان جدا کنند. به مادران این نکته القا می شد که بچه داری شأن والای او نیست؛ بلکه کارهای بسیار مهم تری از زنان ساخته است و نگهداری از کودکان امری ساده، بیهوده و مخصوص زنان بی سواد و عقب مانده است. امام راحل در این باره می فرمایند: «بچه ای که از مادرش جدا شد، پیش هرکه باشد عقده پیدا می کند و عقده که پیدا کرد، مبدا بسیاری از مفاسد است». و امروز بانوان فرهیخته ما خوب می دانند که بزرگترین رسالت خلقتشان پرورش فرزندی صالح در دامن امن و پر محبت مادری است.

حضور جاری مادران

مادر مظهر رحمت حق، آیه لطف الهی و چشمه مهربانی و صفاست. در چنین دامنی است که غنچه لطیف کودک به نیکوترین گونه رشد می کند و بالنده می شود. به خصوص دامن پر مهر مادرانی که از ایمان لبریزند، می توانند شگفتی بیافرینند. دریغ که گاه مادرانی حضور معنوی جاری خود را به هیچ انگاشته محیط خانه را به قصد شرکت در اجتماع ترک می گویند و دامن محبت از کودکان دریغ می دارند. حال آنکه هرگز کسی چو آنان کودک را از محبت سرشار نمی سازد.

وظیفه الهی مادران

تربیت انسان صالح، گرانقدرترین عمل انسان است که تنها به دست یک مادر مؤمن زمینه ظهور می یابد. در این باره امام مهر، عصاره کمال و هدایت، امام خمینی که رحمت خدا بر او باد، خطاب به مادران می فرماید: «دامان شما دامانی است که انسان می سازد. دامان مادر بزرگترین مدرسه ای است که کودک در آن تربیت می شود و تربیت کودک در دامان مادر یک وظیفه انسانی است. یک وظیفه الهی است. یک امر شریف است انسان درست کردن.» اینک این وظیفه الهی به امر رهبرمان بر دوش همه شما مادرانی که کودکی معصوم در دامن دارید، سنگینی می کند. خداوند یارتان و مهربانیتان سرشار.

مادر در آینه کودک

مادر، ای ژرف ترین بخش وجود من، فردای من آینه امروز توست. آنچه فردا در آینه زندگی ام به تصویر می آید، چیزی است که امروز در زندگیت عمل کرده ای. نگاه کودکانه اما کاوشگر من همیشه نظاره گر توست تا یاد بگیرم

چه کنم و چه بگویم. مادر، فردا از من آزرده خاطر مباش که آنچه در من می بینی، تصویر زندگی توست. ای مهربان بیا و خوبی ها را در وجودم به تصویر بکش.

باغبان نیکی ها

مادر، ای باغبان مهربان من، بوستان زندگی من پر است از آنچه تو می کاری. من با معصومیت کودکانه ام، زمینی آماده کِشتم. بیا و در من خوبی ها را بکار. نکویی ها را، گل های یاس ایمان را، نسترن های معرفت را از زلال حیا و عفاف آبیاری کن. از علف های هرز دنیاپسندی دورم کن با آب های آلوده بی عفتی ها آبیاری ام نکن. باغ فردایت را آلوده به تیرگی ها و زشتی ها مخواه. بگذار بوستانی سبز و شکوفا، دسترنج تو باشد.

نیکی به مادر

مرد به امید نسیم بهشت، پنجره دل به سوی نیکی ها گشوده بود. راه را می دانست. به سوی پیامبر به راه افتاد. خدمت رسول خدا رسید. عرض ادب کرد و پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟ عطر کلام پیامبر در روحش پیچید: «به مادرت.» انگار که آب خنکی بر خشکی روحش جاری شد. کلام پیامبر را شنید و دوباره پرسید: و دیگر به چه کسی؟ و باز هم شنید: «به مادرت.» سیراب نمی شد. دوباره پرسید: و بعد به چه کسی؟ و باز هم شنید: «به مادرت.» بار دیگر پرسید: و بعد با چه کسی؟ پیامبر فرمود: «سپس به پدرت.» مرد باز می گشت. روحش از زلال محبت پیامبر سیراب بود و کلام پیامبر در قلبش می پیچید: «به مادرت، به مادرت، به مادرت.»

احسان به مادر

از آنجا که جبران محبت و مهر مادر، هرگز در ظرف توان فرزند نیست، همیشه و همه جا انسان به احسان و نیکوکاری با مادر سفارش شده است؛ تا جایی که پیامبر گرامی اسلام نگاه مهربان فرزند به مادر را عبادت شمرده اند. و نیز فرموده اند: «هرکس به والدینش احسان و نیکی کند، خداوند عمرش را زیاد می کند.» و در موارد بسیاری نیز فرزندان از نافرمانی والدین و رفتار بد با آنها به شدت نهی شده است؛ چنان که خدا بهشت را بر فرزندی که «عاق والدین» باشد حرام کرده است.

رعایت حقوق پدر و مادر و احسان به آنها، به خصوص احسان به مادر، در اسلام بسیار مهم و لازم شمرده شده است. هم چنین از بی احترامی کردن و نافرمانی، تا آنجا که نافرمانی از دستور خدا نباشد، به شدت نهی شده است. اهمیت این مطلب تا آنجاست که حضرت رسول اکرم(ص) می فرماید: «تمام خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر و تمام خشم خدا در خشم آنهاست». و نیز می فرماید: «سرور نیکان روز قیامت، کسی است که پس از مرگ پدر و مادرش نیز به آنان احسان کند». پس بر ماست که در برابر پدر و مادر خویش بال تواضع بر زمین افکنیم و نگاهمان را سرشار از مهر کنیم. بر سخنمان لباس ادب بپوشانیم و آنگاه دل به رضایت پروردگارمان بسپاریم.

پناهی از آتش

در این روز گرامی و پر قدر که به یمن میلاد با سعادت ام الائمه، فاطمه زهرا(س)، روز مادر نامیده شده است، بیاید چشم دل بگشاییم و فاصله مان را تا بهشت کم کنیم. دریای مهر و محبت در پای مادران جاری سازیم و بار هرچه غم که بر دل آنان است، به لبخندی، تبریکی و هدیه ای برداریم. آسمان دلشان را پر از نور امید سازیم و به کلامی ساده، امّا صمیمی سپاسشان گوئیم که پیامبرمان حضرت محمد(ص) می فرماید: «بوسیدن پیشانی مادر، پناهی از آتش جهنم است». و نیز می فرماید: «بزرگترین حقی که بر گردن یک فرد است، حق مادر اوست.»